

The specificity of the trial in the government penitentiary organization

Ehsan Mohammadi¹

Received Date: 15 Nov 2021

Mehran Jafari²

Reception Date : 15 Feb 2022

Karam Janipour³

Abstract

The purpose of this study was to evaluate the existing proceedings in the Government Penitentiary Organization. The research method was descriptive-analytical and library. The main question of the present study is what is the approach of Iranian law regarding the specificity of the trial in the government penitentiary organization? Government penitentiaries do not have a specific procedure, and executive regulations provide only a brief reference to how the state penitentiary is handled and do not meet the needs of the courts. The procedure in the State Penitentiary Organization is silent on how to issue security orders, temporary detention, arrest of the accused and everything related to judicial authority. The directives issued by the organization and the existing instructions also contain major objections, including whether the authorities approving these instructions had the authority to issue them or not.

Keywords: Iranian law, exclusivity, trial, government penitentiary organization

¹PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

²PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Law, Assistant Professor and Faculty Member, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran (Corresponding Author)

³PhD in Criminal Law and Criminology, Assistant Professor and Faculty Member, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran

اختصاصی بودن دادرسی در سازمان تعزیرات حکومتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴

احسان محمدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

مهران جعفری^۲کرم جانی پور^۳**چکیده**

هدف از تحقیق حاضر ارزیابی دادرسی موجود در سازمان تعزیرات حکومتی بود. روش تحقیق تفسیری - کیفی و به صورت کتابخانه‌ای بود. سوال اصلی تحقیق حاضر این بوده است که رویکرد حقوق ایران در باب اختصاصی بودن دادرسی در سازمان تعزیرات حکومتی چگونه است؟ تعزیرات حکومتی فاقد آیین دادرسی اختصاصی است و آیین نامه‌های اجرایی صرفاً اشاره‌ای کوتاه به نحوه رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی داشته و نیاز محاکم را رفع نمی‌نمایند. آیین رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی در خصوص نحوه صدور قرارهای تامین، بازداشت موقت، جلب متهم و هرآنچه که به اختیارات قضایی مربوط می‌شود ساکت است. به بخشنامه‌های صادره از ناحیه سازمان و دستورالعمل‌های موجود نیز ایرادات اساسی از جمله اینکه آیا مراجع تصویب‌کننده این دستورالعمل‌ها دارای اختیار وضع آنها بوده‌اند یا خیر وارد است.

کلید واژگان: حقوق ایران، اختصاصی بودن، دادرسی، سازمان تعزیرات حکومتی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

^۲ دکترای فقه و مبانی حقوق، استادیار و عضو هیات علمی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استادیار و عضو هیات علمی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یک مرجع شبه قضایی با عمری بیش از دو دهه و رسیدگی سالانه به صدها هزار پرونده یکی از تجربیات عمده در عرصه قضازدایی محسوب می شود. این سازمان متعاقب تصویب ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۷۳ ایجاد شد و در طول بیش از دو دهه با فراز و نشیب های فراوان در فعالیت خود روبرو بوده است. این سازمان در برخی از زمان ها به عنوان نهادی تنظیم گر در عرصه فعالیت های اقتصادی و در برخی از زمان ها به عنوان سازمانی محل فعالیت های آزاد اقتصادی مطرح شده است. رویکردهای افراطی و تفریطی در خصوص مبانی تشکیل و کارکردهای این سازمان سبب گردیده است که در مباحثات صورت گرفته کمتر با رویکردی بی طرفانه به مطالعه این نهاد پرداخته شود و همین موضوع سبب شده است که بعضا در کارکردهای آن غلو شده و یا در مقابل نقطه ضعف های آن به عنوان اهرمی جهت اعمال فشار در جهت انحلال این سازمان و یا کاهش حدود صلاحیت های آن بکار رود. از حیث مبانی تأسیس این سازمان بعضا با ایرادات کلیشه ای چندی مواجه می شود، مغایرت با اصل تفکیک قوا و مغایرت با تمرکز امور قضایی در قوه قضاییه از جمله مهم ترین این ایرادات می باشد. بر این اساس، واگذاری رسیدگی به تخلفات اقتصادی به سازمان تعزیرات حکومتی معلول ضرورت حاصل از شرایط بحرانی اقتصادی پس از هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دانسته شده است که با انقطاع ضرورت، رجوع به اصل و واگذاری رسیدگی به این تخلفات به قوه قضاییه وجود دارد. لیکن باید توجه داشت که ایرادات پیش گفته با توجه به مباحثات نوین، بالاخص در حوزه های سیاست جنایی محل تردید اساسی است.

سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یک مرجع اختصاصی، مسئولیت رسیدگی به تخلفات صنفی و اقتصادی را برعهده دارد؛ پیش بینی چنین مرجعی تنها مربوط به ایران نبوده و در سایر نظام های حقوقی شناخته شده دنیا نیز متناسب با تشکیلات قضایی، جایگاه های خاصی در کنار دستگاه اجرایی، برای رسیدگی به موارد تخلف از مقررات دولتی پیش بینی می شود. در واقع اگر تولیدکننده یا عرضه کننده ای، مقررات قانونی را زیر پا بگذارد، توسط این سازمان با این تخلفات برخورد خواهد شد. به طور کلی قانون تعزیرات حکومتی به این موضوع پرداخته که سازمان تعزیرات حکومتی دارای شعبی است که صلاحیت های این سازمان را اعمال کرده و به پرونده ها رسیدگی می کند. در حقیقت این سازمان خود به طور کلی به امر رسیدگی نمی پردازد و بخش هایی که صلاحیت این سازمان را اعمال می کند، همان شعبی هستند که در ساختار این سازمان پیش بینی شده است. در ساختار سازمان تعزیرات حکومتی، شعب بدوی و تجدیدنظر وجود دارد که در هر شعبه بدوی یک رییس حضور دارد. در حالی که شعب تجدیدنظر از یک رییس و دو نفر عضو تشکیل می شود. با این

توضیح که شعب تجدیدنظر با دو نفر رسمیت پیدا می‌کند و در حقیقت، برای رسیدگی و صدور حکم، ملاک، رای و نظر دو نفر موافق است. قانون تعزیرات حکومتی از ابهام، اجمال و نقص به شدت رنج می‌برد. اصلاح این قانون با استفاده از تجربیات سیستم قضایی حاکم و مطالعات تطبیقی ضروری به نظر می‌رسد. تعزیرات حکومتی فاقد آیین دادرسی اختصاصی است و آیین نامه‌های اجرایی صرفاً اشاره‌ای کوتاه به نحوه رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی داشته و نیاز محاکم را رفع نمی‌نمایند. آیین رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی در خصوص نحوه صدور قرارهای تامین، بازداشت موقت، جلب متهم و هرآنچه که به اختیارات قضایی مربوط می‌شود ساکت است. به بخشنامه‌های صادره از ناحیه سازمان و دستورالعمل‌های موجود نیز ایرادات اساسی از جمله اینکه آیا مراجع تصویب کننده این دستورالعمل‌ها دارای اختیار وضع آنها بوده‌اند یا خیر وارد است. رعایت حقوق متهم در عین سرعت و قاطعیت، کنار نهادن تشریفات زاید در رسیدگی بدون اینکه خللی در سیر قانونی جریان دادرسی ایجاد نماید. رعایت شان و منزلت متهم و جلوگیری از به خطر افتادن آبرو و حیثیت او از طریق احضار تلفنی و اخذ تامین بصورت قول و قرار، رسیدگی به پرونده‌ها بدون تعیین وقت طولانی بصورتی که حضور متهم کافی برای شروع جریان دادرسی است عدم پرداخت هزینه دادرسی و برخورداری از ضابط خاص و کارشناسان ویژه ثبت جریان ورود تا اجراء حکم در سیستم رایانه به طوری که بالاترین مقام سازمانی می‌تواند هرگاه اراده کند یک پرونده خاص را رصد نماید این ویژگی‌ها در کنار بهره‌مندی از تجربیات محاکم قضایی سبب شد که نظام قضایی کشور با اعتماد به یک نهاد دولتی، حجم عظیمی از پرونده‌های تخلفات اقتصادی را به سازمان تعزیرات محول نماید.

انسان‌ها از زمان خلقت معیارهای برای زندگی در کنار هم داشتند. با پیشرفت اجتماعات، معیارها به عنوان اصول مورد پذیرش واقع گردیدند که هرکسی از این اصول تخطی می‌نمود، مورد سرزنش و عتاب و در نهایت تنبیه دیگران قرار می‌گرفت. در نهایت این اصول تبدیل به قوانین در بخش‌های متفاوت شد. نهادهای برای ضمانت اجرا و حمایت از قوانین به وجود آمدند. یکی از این نهادها سازمان تعزیرات حکومتی می‌باشد که در ابتدا با هدف حمایت از قوانین و مقررات بازار و تنبیه متخلفان این حیطه به وجود آمد و هم‌اکنون دارای صلاحیت‌های مختلفی می‌باشد که به نظر می‌رسد از هدف اولیه خود دور شده است. با توجه به اینکه این سازمان جدا از قوه قضاییه در حال فعالیت می‌باشد و تحت نظر قوه مجریه به کار خود ادامه می‌دهد لذا کمتر کسی از پژوهشگران حقوق در این عرصه اقدام به پژوهش نموده‌اند. بنابراین در این راستا لازم و ضروری به نظر رسید که با توجه صلاحیت این سازمان و اندک سوابق تحقیقاتی در این حیطه و وجود خلاءهای حقوقی بسیار زیاد در این سازمان به بررسی چگونگی دادرسی سازمان تعزیرات حکومتی بپردازیم که

پژوهش حاضر را تحت عنوان «تحلیلی بر اختصاصی بودن دادرسی در سازمان تعزیرات حکومتی» در همین راستا می‌باشد. برای تشریح موضوع باید هر کدام از مولفه‌ها را مورد بررسی قرار داد. یکی از این مولفه‌ها «دادرسی اختصاصی» می‌باشد. دادرسی در لغت به معنی «عمل دادرسی، محاکمه» می‌باشد. (لغت نامه دهخدا) دادرسی از نظر لغوی در معانی «به داد مظلوم رسیدن، رسیدگی به دادخواهی دادخواه» به کار رفته است.

دادرسی در اصطلاح به معنی «دادرسی عبارت است از بررسی و اعمال نظر مرجع قضایی در زمینه حل مجهول قضایی در حدود قوانین و مقررات». (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۶)

بنابراین به نظر می‌رسد که دادرسی عبارت است از فرایند رسیدگی یا نحوه سیر مرحله به مرحله پرونده از زمان وقوع جرم تا خاتمه اجرای حکم اعم از مقررات شکلی و ماهوی می‌باشد. پس از رسیدن به معنی دادرسی باید به واژه اختصاصی می‌پردازیم. واژه اختصاصی از کلمه اختصاص گرفته شده است که به معنی «خاص کردن به، تخصیص، خاص گردانیدن بچیزی، ویژه کردن به» می‌باشد. (لغت نامه دهخدا) به نظر می‌رسد که واژه اختصاصی به معنی خاص بودن یک موضوع می‌باشد. معنی از اختصاصی که نزدیک به موضوع پژوهش ما است اینکه اختصاصی یعنی متفاوت بودن یک فرایند یا موضوع با سایر فرایندها یا موضوع‌های دیگر در این حیطه می‌باشد.

حال که واژه‌های دادرسی و اختصاصی تشریح شد باید به بررسی و تحلیل ترکیب این دو واژه با هم به عنوان «دادرسی اختصاصی» که یکی از مولفه‌های ما را تشکیل می‌دهد را مورد بررسی قرار داد. بنابراین به نظر می‌رسد که دادرسی اختصاصی عبارت است از فرایند رسیدگی شکلی و ماهوی خاص که که توسط مرجع رسیدگی کننده اعمال می‌شود. یعنی اینکه این فرایند رسیدگی متعلق به یک مرجع است و معمولاً با سایر فرایندهای رسیدگی کننده متفاوت است. بنابراین مقصود ما بررسی و تحلیل فرایند رسیدگی شکلی و ماهوی از زمان تعقیب متهم تا پایان اجرای حکم محکوم علیه در شعب بدوی و تجدیدنظر و اجرای احکام سازمان تعزیرات حکومتی می‌باشد. به نظر می‌رسد که چالش‌های اساسی در فرایند رسیدگی این سازمان وجود دارد که موجب اختصاصی شدن فرایند رسیدگی در این سازمان شده عبارت است از صلاحیت، قرارتامین، تشکیلات جلسه دادرسی، شرایط پذیرش قرار قبولی وثیقه و کفالت، نحوه وصول وثیقه، وحدت رئیس شعبه در مرحله بدوی، صدور رای توسط کسی که تحقیقات مقدماتی را انجام داده است. یکی از چالش‌های موجود در این حیطه این است که صلاحیت تخصصی و اصلی سازمان تعزیرات حکومتی تخلفات صنفی و امور مربوط به تنظیم بازار می‌باشد. با محول نمودن صلاحیت قاچاق به این سازمان این هدف اصلی اغلب به دلیل شلوغی کار ناشی از پرونده‌های قاچاق نادیده انگاشته می‌شود. این چالش اساسی وجود دارد که پژوهش‌های کمی در این زمینه انجام شده است، مخصوصاً بعد از تصویب قانون

قاچاق کالا و ارز که قسمتی از صلاحیت رسیدگی جرم قاچاق را به سازمان تعزیرات حکومتی واگذار نمود که از این جهت این پژوهش دارای نوآوری می باشد. ذکر نکات و ایرادات موجود در دادرسی سازمان تعزیرات حکومتی و ارائه راهکارهای موثر برای رفع این ایرادات نیز از نوآوری این پژوهش می باشد. هدف اصلی تحقیق حاضر ارزیابی دادرسی موجود در سازمان تعزیرات حکومتی و مشخص کردن عیوب موجود در دادرسی ماهوی و شکلی سازمان تعزیرات حکومتی و راهکارهای برای برطرف نمودن این نقایص می باشد.

سوالات تحقیق

سوال اصلی :

۱- رویکرد حقوق ایران در باب اختصاصی بودن دادرسی در سازمان تعزیرات حکومتی چگونه است؟

سوالات فرعی :

- ۱- صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی در چه مواردی می باشد؟
- ۲- صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قضایی است یا شبه قضایی؟
- ۳- وجوه تفاوت و تشابهات دادرسی در سازمان تعزیرات حکومتی و مراجع قضایی چیست؟

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی :

۱- به نظر می رسد هر چند دادرسی مورد استفاده در سازمان تعزیرات حکومتی در بعضی موارد تابع آیین دادرسی کیفری می باشد ولی کماکان حقوق ایران با توجه به اینکه شیوه تشکیل جلسات و رسیدگی مطابق رویه موجود انجام می شود، نظر بر اختصاصی بودن دادرسی در سازمان تعزیرات حکومتی دارد.

فرضیات فرعی :

- ۱- به نظر می رسد صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی به بخشی از جرائم قاچاق و تخلفات صنفی و بهداشتی می باشد که صلاحیت تعزیرات در جرائم قاچاق می تواند گستره زیادی داشته باشد.
- ۲- به نظر می رسد سازمان تعزیرات حکومتی چه در جرم قاچاق صلاحیت قضایی دارد و در سایر موارد صلاحیت شبه قضایی دارد.

۳- به نظر می‌رسد نحوه تشکیل جلسات، تشکیلات و شعب رسیدگی کننده، طرق اعتراض به آراء، قرار تامین و قرار قبولی تامین و... از وجوه تفاوت بین شعب تعزیرات حکومتی با مراجع قضایی است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی:

- ارزیابی دادرسی موجود در سازمان تعزیرات حکومتی و مشخص کردن عیوب موجود در دادرسی ماهوی و شکلی سازمان تعزیرات حکومتی و راهکارهای برای برطرف نمودن این نقایص می‌باشد.

اهداف فرعی:

۱- ایرادات ماهوی و شکلی در رسیدگی شعب تعزیرات حکومتی و بررسی اصول و مستندات مورد استفاده در احکام صادره از شعب سازمان تعزیرات حکومتی می‌باشد.

۲- بررسی وجوه تفاوت ها و تشابهات دادرسی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی و مراجع قضایی می‌باشد.

چارچوب نظری و پیشینه

قاچاق کالا و ارز یکی از مشکلات مهم اقتصادی در کشور ایران می‌باشد که روند قانون گذاری های متفاوتی را در کشور طی کرده است. مبحث صلاحیت رسیدگی به تخلفات و بزه های مربوط به قاچاق کالا و ارز هم از دیگر گره های موجود در حقوق کیفری ایران می‌باشد. قانونگذاران نسبت به ایجاد صلاحیت موازی برای دو نهاد حکومتی شامل قوه قضاییه و سازمان تعزیرات حکومتی اقدام کرده اند. بدین صورت که مجمع تشخیص مصلحت نظام با عنایت به اهمیت بزه قاچاق کالا و ارز و اثرات سوء آن به منظور رعایت غبطه مملکت و ممانعت از بروز اختلالات در امور ارزی، ضرورت تسریع و رسیدگی و اعمال در رسیدگی و اعمال مجازات قانونی خارج از تشریفات آیین دادرسی کیفری را مطابق تبصره ۱ ماده ۴ قانون اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۷۴ تجویز نموده و در ماده ۲ دستور العمل مربوط به آن مقرر گردیده است که در شهرستان ها و بخش هایی را که دادگاه انقلاب تشکیل نشده است دادگاه های عمومی به پرونده های قاچاق کالا و ارز رسیدگی خواهد نمود و همچنین در صورت عدم وجود محاکم عمومی و انقلاب، سازمان تعزیرات حکومتی را بر اساس قوانین مربوط، مجاز و صالح به رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز معرفی نموده است. به نظر می‌رسد این گونه قانونگذاری ها درباره جرایم مربوط به قاچاق کالا و ارز باعث کندی رسیدگی ها گردیده و اطلاع دادرسی را در هر دو مرجع به

وجود آورده است. لذا بهتر است قانونگذار یک مرجع را صالح به رسیدگی این گونه دعاوی بداند تا خللی در روند رسیدگی ایجاد نگردد. (پورا کبری نومندانی و همکاران، ۱۳۹۹)

قانون تعزیرات حکومتی از ابهام، اجمال و نقص به شدت رنج می برد. اصلاح این قانون با استفاده از تجربیات سیستم قضایی حاکم و مطالعات تطبیقی ضروری به نظر می رسد. تعزیرات حکومتی فاقد آیین دادرسی اختصاصی است و آیین نامه های اجرایی صرفا اشاره ای کوتاه به نحوه رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی داشته و نیاز محاکم را رفع نمی نمایند. آیین رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی در خصوص نحوه صدور قرارهای تامین، بازداشت موقت، جلب متهم و هرآنچه که به اختیارات قضایی مربوط می شود ساکت است. به بخشنامه های صادره از ناحیه سازمان دستورالعمل های موجود نیز ایرادات اساسی از جمله اینکه آیا مراجع تصویب کننده این دستورالعمل ها دارای اختیار وضع آنها بوده اند یا خیر وارد است. رعایت حقوق متهم در عین سرعت و قاطعیت، کنار نهادن تشریفات زاید در رسیدگی بدون اینکه خللی در سیر قانونی جریان دادرسی ایجاد نماید. رعایت شان و منزلت متهم و جلوگیری از به خطر افتادن آبرو و حیثیت او از طریق احضار تلفنی و اخذ تامین بصورت قول و قرار، رسیدگی به پرونده ها بدون تعیین وقت طولانی بصورتی که حضور متهم کافی برای شروع جریان دادرسی است عدم پرداخت هزینه دادرسی و برخورداری از ضابط خاص و کارشناسان ویژه ثبت جریان ورود تا اجراء حکم در سیستم رایانه به طوری که بالاترین مقام سازمانی می تواند هرگاه اراده کند یک پرونده خاص را رصد نماید این ویژگی ها در کنار بهره مندی از تجربیات محاکم قضایی سبب شد که نظام قضایی کشور با اعتماد به یک نهاد دولتی، حجم عظیمی از پرونده های تخلفات اقتصادی را به سازمان تعزیرات محول نماید. (قربانی و رستمی دنگلانی، ۱۳۹۷)

مامی (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان واکاوی مبانی فقهی مجازات سنگین حبس در تعزیرات انجام داد. مجازات متهم در بزه های تعزیری حسب قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ از نظر قانونگذار دارای مراتب و درجات مختلف از درجه یک تا درجه هشت بوده و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مجازات درجه شش تا هشت در حالات مختلف جایگزینی به جای مجازات حبس تعیین نموده و لذا در این خصوص به روایات وارده در همین موضوع مشاهده می گردد که از ائمه معصومین نیز چنین جایگزین حبس برای متهم حبس مصالح شخصی و اجتماعی وی تعیین نموده اند .

آقاسی جاوید (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان نقدی بر صلاحیت کیفری سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا علیه شرکت های حمل و نقل بین المللی انجام داد. براساس ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۹۲/۱۰/۰۳) صلاحیت رسیدگی به پرونده های قاچاق

کالا و ارز بر اساس نوع اقدام به قاچاق و مجازات آن، بین دو قوه قضائیه و مجریه تقسیم شده است. بخشی از آنها که عبارتند از: «جرائم» قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی که رسیدگی به آنها در حوزه صلاحیت «دادگاه انقلاب اسلامی» قرار گرفته است. اما، بخش دیگری از پرونده ها، که رسیدگی به آنها در حوزه صلاحیت رسیدگی «سازمان تعزیرات حکومتی» قرار گرفته است، عبارتند از: پرونده های قاچاق کالا و ارز که «تخلف» محسوب می شوند. در واقع، قانونگذار، بدون تغییر در تعریف فعل «قاچاق» و کیفر زدائی از آن و صرفاً با وصف «تخلف» برای توصیف فعل «قاچاق»، رسیدگی به بخش اعظمی از پرونده های «قاچاق» را در حوزه صلاحیت «سازمان تعزیرات حکومتی» قرار داده است که از سازمانهای زیرمجموعه قوه مجریه بوده و زیر نظر وزیر دادگستری، فعالیت می کند. صرف نظر از فقدان صلاحیت قضائی سازمان مزبور، با عنایت به اینکه در غالب پرونده های قاچاق، مدعی خود دولت است، این تفویض اختیار به سازمان تعزیرات حکومتی، ناقض «اصل بی طرفی» مقام رسیدگی کننده محسوب می شود.

رستگاران و موسوی (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان نقش سازمان تعزیرات حکومتی در مبارزه با قاچاق فرآورده های نفتی انجام دادند. با توجه به ارزش های فرآورده های نفتی در چرخیدن چرخ اکثر صنایع ماشین آلات بخش های کشاورزی عمرانی و گسترش قاچاق فرآورده های نفتی این موضوع به یک مساله ی مهم برای کشور بدل شده است به منظور کاهش قاچاق این منبع استراتژیک امکان رسیدگی مناسب و سریع به تخلفات مربوط به فروش حمل و عرضه ی فرآورده های نفتی در سراسر کشور سازمان تعزیرات حکومتی در کنار سایر نهادها از جمله کمیته رسیدگی به تخلفات شرکت نفت ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز مسوولیت مبارزه با قاچاق فرآورده های نفتی را به عهده دارد کمبود و خلاء قانونی در زمینه ی پیشگیری و برخورد قاطع با قاچاق فرآورده های نفتی عدم هماهنگی مناسب بین دستگاه های متولی امر و عدم قاطعیت مجازات ها برای مجرمین این جرایم باعث شده است روزانه میلیونها لیتر فرآورده های نفتی توسط قاچاقچیان به خارج از مرزها انتقال پیدا نماید لزوم وضع قوانین و مقررات لازم همپوشانی دستگاه های نظارتی و قضایی برخورد مناسب با سوداگران این عرصه از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد.

شجاعی و رکابیان (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان انطباق قوانین و آیین نامه های تعزیرات حکومتی و گمرک درباب جبران و پیشگیری از خسارات انجام دادند. جرایم مربوط به تعزیرات حکومتی و گمرک که عبارتند از جرایم مربوط به قاچاق کالا و ارز، جرایم مربوط به امور بهداشتی و دارویی و جرایم مربوط به امور صنفی پرداخته شده است و مسیله قوانین و آیین نامه های آنان را در ابعاد مختلف حقوقی بررسی و ویژگیها و مسئولیت های هریک از سازمان ها و نقشهای آنان در اقتصاد کشور

معرفی و در مواردی خواستار این هستی‌مکه قوانینشان متناسب با توسعه جهانی در زمینه اقتصاد اصلاح گردد.

عسگری عیسی آبادی و یوسف زاده (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان رسیدگی در تعزیرات حکومتی و تفاوت آن با رسیدگی در محاکم دادگستری انجام دادند. در این مقاله تلاش‌های برای بررسی هر چه بهتر و جامع‌تر رسیدگی در تعزیرات حکومتی و تفاوت آن با رسیدگی در محاکم دادگستری شده است و هدف از آن اقدامی برای رفع ابهام، شفاف‌سازی و ساماندهی همه‌جانبه آن می‌باشد. در واقع در این مقاله به بیان مرزبندی دقیق صلاحیت‌های ذاتی محاکم تعزیراتی در مقابل دادگاه‌های دادگستری و حوزه مشترک صلاحیت میان این دو مرجع و در صورت تعارض صلاحیت مرجع رفع تعارض و این که اساساً محاکم تعزیرات حکومتی عهده‌دار برخی خصوصیت‌های دادگاه‌های دادگستری در امور حقوقی و کیفری شده‌اند و تأثیر پیدایش محاکم تعزیرات حکومتی بر گستره صلاحیت‌های دادگاه‌های دادگستری که به تعبیر قانون اساسی مرجع رسمی رسیدگی به تنظیمات و شکایات هستند مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

تعاریف و مفاهیم

دادرسی: دادرسی در لغت به معنای «به دادِ مظلوم رسیدن، رسیدگی به دادخواهی دادخواه، محاکمه» آمده است.

دادرسی به مفهوم اعم: در اصطلاح حقوقی دادرسی به مفهوم اعم، رسیدگی مرجع قضاوتی به درخواست متقاضی برای صدور رای با لحاظ پاسخی می‌باشد که طرف مقابل عندالاقضاء مطرح می‌نماید. بنابراین دادرسی شامل دسته‌ای از اعمال می‌شود که در برهه زمانی مشخصی انجام و از درخواست شروع شده و تا صدور رای ادامه می‌یابد. این تعریف افزون بر این که بر هر مرحله از دادرسی (اعم از نخستین و تجدیدنظر) مصداق دارد شامل تمام رسیدگی‌هایی نیز می‌شود که از ابتدای اقدام درخواست‌کننده شروع شده و تا صدور رای ادامه می‌یابد و تمامی انواع دادرسی از معمولی و ویژه را در بر می‌گیرد. دادرسی از جمله در مواد ۳۵، ۳۶، ۱۴، ۳۹، ۳۸، ۴۱۷ و قانون آیین دادرسی مدنی به مفهوم اعم به کار رفته است.

دادرسی به مفهوم اخص: دادرسی به مفهوم اخص، رسیدگی مرجع قضاوتی به دعوا یا امر مطروحه یعنی ادعاها، ادله، استدلالات و خواسته خواهان به لحاظ پاسخ احتمالی خواننده برای صدور رای قاطع می‌باشد. دادرسی به این مفهوم جز در موارد نادری (از جمله ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی) دارای پیشوند «جلسه» بوده و معمولاً در مواردی به کار می‌رود که دادرسی معمولی و دادرسی آیین‌های ویژه مورد نظر است. (برای مثال مواد ۴۴ و ۹۳ به بعد همچنین مواد ۱۳۸ و ۱۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

در حقیقت در آیین های ویژه مانند آیین حسبی، دستور موقت و ... معمولاً واژه رسیدگی در این مفهوم به کار می رود (از جمله ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی ماده ۲۲ قانون امور حسبی در مقایسه با ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی).

دادرسی در برخی موارد به مفهوم دعوا یعنی منازعه است که به دادگاه برده شده است. واژه دادرسی در عبارات «داخل دادرسی» و «به دادرسی جلب شده باشد» به ترتیب در مواد ۱۰۵ و ۴۷۵ قانون آیین دادرسی به همین مفهوم می باشد.

تعزیر: در حقوق کیفری ایران عبارت از مجازاتی است مادون حد شرعی. به عبارت دیگر تعزیر کیفری است برای جرائمی غیر از آنهایی که در حقوق جزای اسلامی برایشان حد، قصاص و دیه در نظر گرفته شده است. تعزیر در شرع از حیث مقدار مشخص نیست و در فقه به کیفری گفته می شود که برخلاف حد، قانون گذار اندازه ای برای آن تعیین نکرده باشد و تعیین آن به صلاح دید قاضی می باشد (تعزیر باید کمتر از حد باشد). تعزیر در لغت به معنای تعظیم، تأدیب، نصرت و منع می باشد. ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود.

سازمان تعزیرات حکومتی: یکی از نهادهای قضایی کشور است که وظیفه آن نظارت و پایش بازار و جلوگیری از تخلفاتی از قبیل کم فروشی، گرانفروشی، احتکار، تقلب و ... است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

انجام این پژوهش از این بابت دارای اهمیت می باشد که اغلب موارد، دادرسی اختصاصی و سریع باعث نقض و نادیده گرفته شدن اصول دادرسی می شود، انجام این چنین پژوهش هایی می تواند ایرادها و مشکلات را برطرف نموده و با برجسته نمودن اصول دادرسی و تاکید بر آنها موجب رعایت این اصول می شود. بررسی اینکه رسیدگی سازمان تعزیرات به جرم قاچاق از منظر صلاحیت قضایی است یا از منظر صلاحیت رسیدگی به تخلفات می باشد بسیار حائز اهمیت می باشد چرا که صلاحیت قضایی وظیفه نهادهای قضایی است و نهادهای شبه قضایی توانایی رسیدگی به جرم را ندارند. این چنین پژوهش های با برجسته نمودن موضوعاتی از این قبیل می تواند کمک شایانی به بهبود سیستم دادرسی می نماید. باگذشت زمان و پیشرفت جوامع بشری و تکنولوژی، مجرمین حرفه ای و تحول یافته شده اند. مخصوصاً مجرمین عرصه قاچاق معمولاً فرهیخته، جوان، تحصیل کرده و با روابط عمومی قوی و دارای نفوذ بسیار بالایی هستند. بنابراین اگر فرایند دادرسی که به

واسطه آن قصد در مجازات این مجرمین داریم، دارای ضعف در قدرت اجرایی باشد در نتیجه نمی توان قانون را بر مجرمان تطبیق داد و نه تنها نمی توان با جرایم مقابله کرد بلکه جرایم رو به فزونی می گذارد. بنابراین این وظیفه بر عهده دانشگاهیان و محققان است که برای بهبود روند دادرسی اساسی تحقیق بپردازد که چنین پژوهش های می تواند گوشه ای از این خلاها را پر کند.

نوع روش تحقیق

در این تحقیق نوع روش تحقیق به صورت بنیادی نظری می باشد که به صورت حقوقی است و براساس استاندارد های یک تحقیق نظری صورت گرفت. با توجه به اهداف تحقیق اطلاعات را به روش کتابخانه ای گردآوری کردیم. در این تحقیق اطلاعات را از طریق فیش برداری از کتب، مراجعه به کتب الکترونیکی و ...، جمع آوری نمودیم.

صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی

صلاحیت های شعب سازمان تعزیرات حکومتی منحصر است به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی و قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی و نیز سایر مواردی که از طرف مراجع ذی صلاح، رسیدگی آنها به این سازمان محول شده است. در قانون تعزیرات حکومتی، تخلفاتی نظیر گرانفروشی، کم فروشی و تقلب، احتکار، عرضه خارج از شبکه، درج نکردن قیمت، اخفا و امتناع از عرضه کالا، صادر نکردن فاکتور، اجرا نکردن ضوابط قیمت گذاری، اجرا نکردن تعهدات واردکنندگان و تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی، نداشتن پروانه کسب و یا بهره برداری، فروش اجباری و اعلام نکردن موجودی، پیش بینی و مجازات هایی برای آن در نظر گرفته شده است. یکی از اختصاصات این قانون، رعایت مراتب تعزیر است؛ یعنی تخلف در مراتب گوناگون، دارای مجازات های متفاوت بوده، مجازات هر مرتبه شدیدتر از مرتبه قبل است. تاسیس سازمان تعزیرات حکومتی در دورن قوه مجریه تجلی بارزی از مداخله دولت در حفظ حقوق عمومی و منافع و مصالح همگانی می باشد در راستای اجرای سیاست مذکور این سازمان به عنوان یک نهاد شبه قضایی در بدنه دولت با ساختار اداری و قضایی شروع به فعالیت نموده طبق قانون صلاحیت ها و عناوین مجرمانه احصاء شده و حسب تشریفات دادرسی خاص رسیدگی می نماید. برخلاف محاکم عمومی که موضوع تطبیق آن بررسی می شود کلیه مراحل تحقیق، تعقیب، رسیدگی و صدور حکم توسط مرجع واحد انجام می شود و در حالی که در محاکم عمومی طبق قانون احیاء دادسراها مراحل تعقیب و تحقیق از مرحله رسیدگی جدا می باشد. برخی از حقوق افراد در تعزیرات حکومتی مانند نحوه احضار متهم، مهلت واخواهی و تجدیدنظرخواهی و اجرای حکم با

محاكم عمومی متفاوت بوده و شعب نیز فاقد ضمانت اجرای قوی همانند محاكم عمومی می باشند در برخی موارد قانون تعزیرات حکومتی دارای ابهام یا خلاء بوده و روسای شعب به تاسی از قاعده اذن در شی اذن در لوازم آن شی نیز می باشد از عمومیات آیین دادرسی استفاده می نمایند و البته حدود این بهره مشخص نشده و گاه بطور سلیقه ای اعمال می شود.

صلاحیت‌های امور بهداشتی

از جمله صلاحیت‌های سازمان، رسیدگی به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۶۷/۱۲/۲۳) است. نظر به اهمیت موضوع و تنوع تخلفات در این زمینه، لازم است حیطه صلاحیت‌های مراجع مختلف (محاكم عمومی، انقلاب و سازمان تعزیرات حکومتی)، به تفصیل، بیان شود.

با توجه به صلاحیت عام محاكم و دادسراهای عمومی، به تخلفات پزشکی همواره در دادسراها و دادگاه‌های دادگستری رسیدگی می شده است. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمینه تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، قسمت عمده ای از جرایم پیش بینی شده در قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی (مصوب ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۴) و اصلاحات بعدی آن را در برگرفت و از قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مؤخر است. اما با توجه به اینکه صلاحیت رسیدگی به این جرایم در اختیار دولت بود و بر اساس ماده ۴۴ قانون مذکور نیز «اعمال تعزیرات حکومتی موضوع این قانون، مانع اجرای مجازات‌های قانونی دیگر نخواهد بود»، از زمان تصویب این قانون - چه در زمانی که اجرای آن در صلاحیت قوه مجریه بود و چه در زمانی که رسیدگی به جرایم مذکور در دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی محول شد - هرگز اجرای آن مانع اجرای قوانین و مقررات دیگر پزشکی، از جمله قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و... نشد. اساساً پاره ای از جرایم پزشکی و دارویی مصرح در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی، در قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مجمع تشخیص مصلحت نظام (مصوب سال ۱۳۶۷) نیز پیش بینی شده است.

صلاحیت‌های امور پزشکی

اجرای قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و اصلاحیه‌ها بعدی آن و سایر قوانین و مقررات حاکم بر قصور و سهل انگاری پزشکان و صاحبان حرف و وابسته، تا قبل از تصویب قانون

اصلاح ماده سوم قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی... در صلاحیت دادسراها و دادگاه های عمومی بود و حتی در برخی شهرستان ها شعبه خاصی و در تهران ناحیه ویژه ای از دادرسی عمومی تهران و شعبه ویژه ای از دادگاه کیفری دو به آن اختصاص یافته بود. با تصویب قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، که قسمت عمده ای از جرایم پزشکی و دارویی مندرج در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی را به صورت تکراری و با وضع قواعد مشابه و نتیجتاً با لحاظ تعدد مراجع صلاحیت دار پیش بینی کرده بود و مؤخر بر قانون مذکور نیز بود، مشکلات فراوانی برای دستگاه قضایی، اعم از دادسراها و دادگاه های عمومی و انقلاب و سایر مراجع ذیربط (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان های منطقه ای بهداشت و درمان استان ها و دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی) ایجاد شد. به این مهم زمانی بیشتر توجه شد که مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسیدگی به جرایم پزشکی و دارویی، موضوع تعزیرات حکومتی را، مجدداً در اختیار دولت (سازمان تعزیرات حکومتی) قرار داد و پرونده های متشکل در دادسراها و دادگاه های انقلاب که دوران اجرای همزمان با قانون تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی را می گذرانید، با صدور قرار عدم صلاحیت، به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال شد. مجلس شورای اسلامی با وضع قانون «اصلاح ماده ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی...» در ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۴ رسیدگی به برخی از جرایم پزشکی و دارویی را در صلاحیت دادگاه های انقلاب اسلامی قرار داد. بدین ترتیب در حال حاضر، برخی از جرایم پزشکی و دارویی، بویژه قصور و سهل انگاری پزشکان و تخلف از قوانین و مقررات صاحبان حرف پزشکی و دارویی، در دادگاه های عمومی بررسی می شود و صلاحیت رسیدگی به پاره ای از این جرایم با دادگاه های انقلاب اسلامی و بخش عمده ای از آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. همچنین پاره ای از جرایم پزشکی و دارویی، تخلف انتظامی نیز محسوب می شود که صلاحیت رسیدگی به آنها با هیأت های بدوی و عالی انتظامی سازمان نظام پزشکی است. هیأت های مذکور به سایر تخلفات صنفی و حرفه ای پزشکان و صاحبان حرف وابسته نیز رسیدگی می کنند.

مصادیق صلاحیت ها در امور بهداشتی

قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، مصوب ۲۳ اسفند ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، با وضع مقررات مشابهی، رسیدگی به جرایم پزشکی و دارویی بخش دولتی را در صلاحیت قوه مجریه و بخش غیردولتی را در صلاحیت دادسراها و دادگاه های انقلاب قرار داد. سپس در مصوبه ۶۹ / ۹ / ۲ خود تعزیرات حکومتی بخش دولتی را نیز در صلاحیت دادسراها و دادگاه های

انقلاب دانست. مجمع با تصویب ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی در ۱۹/۷/۷۳ مجدداً اعمال تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیردولتی را به قوه مجریه - سازمان تعزیرات حکومتی - محول کرد و تقریباً همزمان با اجرای قانون تشکیل دادگاه های انقلاب، رسیدگی به جرایم پزشکی و دارویی، موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، از صلاحیت دادگاه های انقلاب خارج شد.

صلاحیت مبارزه با قاچاق کالا و ارز

یکی دیگر از قوانینی که صلاحیت ثانوی رسیدگی آن به سازمان تعزیرات حکومتی محول شده است، امور مربوط به قاچاق کالا و ارز است که بر اساس قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز و آیین نامه اجرایی آن عمل می شود. تبصره ۲ ماده ۴ این قانون می گوید: «در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده در مدت یک ماه، سازمان تعزیرات حکومتی، موضوع ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۹/۷/۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام ... با درخواست سازمان شاکی می تواند همان پرونده را از محاکم قضایی یا سازمان شاکی مطالبه و طبق جرایم و مجازات های مقرر در قوانین مربوط و این قانون اقدام نماید»؛ بنابراین رسیدگی به تخلفات مربوط به قاچاق کالا و ارز، در درجه اول بر عهده محاکم و مراجع قضایی است و تنها در مناطقی که محاکم قضایی (شامل دادگاه های انقلاب یا عمومی) برای رسیدگی به این پرونده ها وجود ندارد، تا زمان ایجاد تشکیلات قضایی سازمان تعزیرات حکومتی بر اساس قوانین مربوط، مجاز به رسیدگی به آنهاست.

بر اساس ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۹۲/۱۰/۰۳) صلاحیت رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز بر اساس نوع اقدام به قاچاق و مجازات آن، بین دو قوه قضائیه و مجریه تقسیم شده است. بخشی از آنها که عبارتند از: «جرائم» قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی که رسیدگی به آنها در حوزه صلاحیت «دادگاه انقلاب اسلامی» قرار گرفته است. اما، بخش دیگری از پرونده ها، که رسیدگی به آنها در حوزه صلاحیت رسیدگی «سازمان تعزیرات حکومتی» قرار گرفته است، عبارتند از؛ پرونده های قاچاق کالا و ارز که «تخلف» محسوب می شوند. در واقع، قانونگذار، بدون تغییر در تعریف فعل «قاچاق» و کیفر زدائی از آن و صرفاً با وصف «تخلف» برای توصیف فعل «قاچاق»، رسیدگی به بخش اعظمی از پرونده های «قاچاق» را در حوزه صلاحیت «سازمان تعزیرات حکومتی» قرار داده است که از سازمانهای زیرمجموعه دولت بوده و زیر نظر وزارت

دادگستری، فعالیت می کند. صرف نظر از فقدان صلاحیت قضائی سازمان مزبور، با عنایت به اینکه در غالب پرونده های قاچاق، مدعی خود دولت است، این تفویض اختیار به سازمان تعزیرات حکومتی، ناقض «اصل بی طرفی» مقام رسیدگی کننده محسوب می شود. (جاوید، ۱۳۹۸)

قانونگذاران نسبت به ایجاد صلاحیت موازی برای دو نهاد حکومتی شامل قوه قضاییه و سازمان تعزیرات حکومتی اقدام کرده اند. بدین صورت که مجمع تشخیص مصلحت نظام با عنایت به اهمیت بزه قاچاق کالا و ارز و اثرات سوء آن به منظور رعایت غبطه مملکت و ممانعت از بروز اختلالات در امور ارزی، ضرورت تسریع و رسیدگی و اعمال در رسیدگی و اعمال مجازات قانونی از طریق جریمه مالی خارج از تشریفات آیین دادرسی کیفری را مطابق تبصره ۱ ماده ۴ قانون اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۷۴ تجویز نموده و در ماده ۲ دستور العمل مربوط به آن مقرر گردیده است که در شهرستان ها و بخش هایی را که دادگاه انقلاب تشکیل نشده است دادگاه های عمومی به پرونده های قاچاق کالا و ارز رسیدگی خواهد نمود و همچنین در صورت عدم وجود محاکم عمومی و انقلاب، سازمان تعزیرات حکومتی را بر اساس قوانین مربوط، مجاز و صالح به رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز معرفی نموده است. به نظر می رسد این گونه قانونگذاری ها درباره جرایم مربوط به قاچاق کالا و ارز باعث کندی رسیدگی ها گردیده و اطلاع دادرسی را در هر دو مرجع به وجود آورده است. لذا بهتر است قانونگذار یک مرجع را صالح به رسیدگی این گونه دعاوی بداند تا خللی در روند رسیدگی ایجاد نگردد. (پورا کبری نومدانی، ۱۳۹۹)

همانطور که بیان شد هدف اصلی تحقیق حاضر ارزیابی دادرسی موجود در سازمان تعزیرات حکومتی و مشخص کردن عیوب موجود در دادرسی ماهوی و شکلی سازمان تعزیرات حکومتی و راهکارهای برای برطرف نمودن این نقایص می باشد. افزایش جمعیت و تامین مایحتاج زندگی آنها با وجود زندگی ماشینی و تجمل گرایی و تولید متنوع محصولات خصوصا در عرصه کالا و خدمات و افزایش تقاضا باعث گردیده برخی افراد سود جو خصوصا در وضعیت بحرانی کشور بر مصرف کننده اجحاف نموده و مبادرت به گرانفروشی، کم فروشی و احتکار اجناس نماید برای مبارزه با این سوداگران می بایست که نهادی علاوه بر قوه قضاییه تشکیل شده که بطور سریع و جدی با آنها برخورد کند چرا که قوه قضاییه بدلیل افزایش پرونده های عمومی و تخصصی و رسیدگی به آنها در محاکم دادگستری نتوانسته است بطور سریع با آنها برخورد کند لذا به این منظور و در آغازین سالهای جنگ تحمیلی به لحاظ شرایط بحرانی حاکم بر اقتصاد کشور بحث تعزیرات حکومتی با اجازه حضرت امام خمینی (ره) شکل گرفت تا اینکه در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۷ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام سازمان تعزیرات حکومتی به شکل امروزی بر اساس مصلحت تاسیس گردید پس از تشکیل این سازمان رسیدگی به بسیاری از جرایم اقتصادی به عهده این سازمان محول گردید در طول این سالها، سازمان تعزیرات حکومتی با چالشهای مختلفی از سوی منتقدین خود همراه بوده است تا اینکه تصویب قانون نظام صنفی مصوب ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۸۲ و سکوت تشخیص مجمع مصلحت نظام در مقابل مجلس شورای اسلامی مبنی بر انتزاع صلاحیت رسیدگی به جرایم مربوط به بخش خصوصی (اصناف) از سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان مزبور را با چالش جدی مواجه کرد اما دیری نپایید که ناکارآمدی هیاتهای رسیدگی کننده به تخلفات صنفی باعث تجدیدنظر مسیولان در احیاء مجدد صلاحیتهای سازمان شد که این سازمان در سالهای بعد با مصوبات هیات دولت و اصلاح قوانین گذشته توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی واجد صلاحیتهای دیگری نظیر صلاحیت رسیدگی به اصناف و همچنین صلاحیت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز، در کنار محاکم دادگستری شده است که علاوه بر اینکه صلاحیتهای آن توسعه یافته به این سازمان ارزش و اعتبار قانونی و حقوقی داده است.

سازمان تعزیرات حکومتی یکی از نهادهای تخصصی (قضایی . اداری) زیر مجموعه قوه مجریه می باشد که وظیفه رسیدگی به تخلفات اقتصادی و حفظ عدالت اقتصادی، جلوگیری از اجحاف و تبعیض در عرصه دادوستد و حمایت از حقوق مصرف کننده را بر عهده دارد. و بر این اساس وجود قانون و آئین دادرسی واحد و دربرگیرنده اصولی که متضمن رعایت یک دادرسی منصفانه اداری

باشد، لازم و ضروری است. پس حاکمیت قانون و البته قانونی که ناشی از مرجع صلاحیتدار مبتنی بر اراده مردم و نیز دربردارنده اصول عدالت اداری و دادرسی منصفانه باشد، به عنوان ابزار کار این نهاد قضایی اداری لازم می باشد. این پژوهش به تحلیل و بررسی اصل دادرسی عادلانه و چگونگی عملکرد آنها در سازمان تعزیرات حکومتی می پردازد. در هر کشوری سازمانها و یا نهادهایی وجود دارند که به تخلفات اقتصادی رسیدگی می کنند؛ در نظام جمهوری اسلامی، سازمان تعزیرات حکومتی، که فلسفه تشکیل آن جلوه ای از نهاد حسبه در ادوار گذشته است، وظیفه رسیدگی به امور اقتصادی را تحت نظر قوه مجریه برعهده دارد. این سازمان، جهت تسریع رسیدگی به امور اقتصادی، کاهش تراکم کار دادگاه ها و نیز به منظور قضازدایی، کیفرزدایی، جرم زدایی و برخورد با متخلفان اقتصادی و در نهایت برای دستیابی به هدف تعدیل اقتصادی کشور تشکیل شده است. رسیدگی به تخلفات اقتصادی که مستلزم کشف، تعقیب، رسیدگی و صدور حکم است، بر طبق قانون اساسی از جمله وظایف قوه قضائیه می باشد، که براساس مصلحت اندیشی مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ به قوه مجریه که وظیفه اجرای قوانین را بر عهده دارد واگذار شده است که این امر از یک سو، و قوانین و مقرراتی که با نواقص و خلأهای قانونی همراه است از سوی دیگر این سازمان را در عمل با چالش هایی روبه رو می سازد. برخی از ضمانت اجراهای خاص نظام کیفری مثل حبس که در ماده ۱۸ قانون تعزیرات حکومتی استفاده شده است، وجود دارد؛ مضاف بر این که وجود خلأهای قانونی در آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی، حقوق متهمان و محکومان را در فرآیند رسیدگی با چالش روبرو می سازد؛ زیرا در برخی موارد قانونگذار از اصول حاکم بر ترتیب دادرسی عادلانه تا حدودی عدول نموده است، که در این زمینه می توان به حق تشدید مجازات توسط شعب تجدید نظر و امکان محکومیت توأمان یک نفر در شعب تعزیرات حکومتی و محاکم براساس مواد ۲۵ و ۳۰ آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی اشاره نمود. فلذا با توجه به اوضاع و احوال اقتصادی کشور در سالهای اخیر و مطرح شدن بحث هایی از قبیل اقتصاد مقاومتی و با عنایت بر تحریم های اعمال شده، بیش از هر زمان دیگری به اصلاحات جدی در تمام ابعاد و ضرورت بازنگری در قوانین و مقررات را نمایان می سازد. «سازمان تعزیرات حکومتی» یک مرجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات اقتصادی است. این سازمان زیر نظر وزارت دادگستری فعالیت می کند و بنابراین، زیرمجموعه قوه مجریه محسوب می شود. سازمان تعزیرات حکومتی، طبق ماده ۷۲ «قانون نظام صنفی کشور»، صلاحیت رسیدگی به کلیه تخلفات اقتصادی اصناف را دارد. تمام افراد باید شکایات خود از تخلفات اقتصادی اصناف را، برای رسیدگی، به این سازمان ارائه کنند. در قانون تعزیرات حکومتی، تخلفاتی مانند گرانفروشی، کم فروشی و تقلب، احتکار، عرضه خارج از شبکه، درج نکردن قیمت، اخفا و امتناع از عرضه کالا، صادر نکردن فاکتور، اجرا نکردن ضوابط

قیمت‌گذاری، اجرا نکردن تعهدات واردکنندگان و تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی، نداشتن پروانه کسب و یا بهره‌برداری، فروش اجباری و اعلام نکردن موجودی، پیش‌بینی و مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است. لازم‌به‌ذکر است که مطابق ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارزی که مجازات آن حبس یا انفصال از خدمات دولتی باشد، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. به جز این موارد، سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب می‌شود و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یکی از مراجع شبه قضایی، براساس قوانین و مقررات متعدد، در کنار مراجع قضایی (دادگاه‌های عمومی و انقلاب) صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های حوزه قاچاق کالا و ارز را دارا می‌باشد. تحولات مهم تقنینی در خصوص صلاحیت و تشریفات رسیدگی در سازمان تعزیرات راجع به پرونده‌های قاچاق، مانع از شکل‌گیری و ایجاد یک رویه ثابت در مراجع قضایی و شبه قضایی گردیده و درعین حال، اختلاف نظرات جدی را در پی داشته است.

منابع و مأخذ

- آقاسی جاوید، یونس، ۱۳۹۸، نقدی بر صلاحیت کیفری سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا علیه شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی، اولین همایش ملی ترانزیت و حمل و نقل بین‌المللی در مسیر توسعه اقتصادی، مشهد.
- پوراکیبری نومدانی، سید امیر و اکبری، محمد و بازیار، نصراله، ۱۳۹۹، بررسی اجمالی صلاحیت تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۶، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران.
- رستگاران، ندا و موسوی، سید یوسف، ۱۳۹۶، نقش سازمان تعزیرات حکومتی در مبارزه با قاچاق فرآورده‌های نفتی، سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، قم.
- شجاعی، حبیب اله و رکابیان، رشید، ۱۳۹۵، انطباق قوانین و آیین نامه‌های تعزیرات حکومتی و گمرک در باب جبران و پیشگیری از خسارات، کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی، شیراز.
- فلاح، غلامعلی و غدیری، جهانبخش، ۱۳۹۵، قانون تعزیرات حکومتی و تاثیر آن بر تخلفات اقتصادی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، خرم‌آباد.
- قربانی، علیرضا و رستمی دنگلانی، فرشته، ۱۳۹۷، تطبیق دادرسی در سازمان تعزیرات حکومتی و محاکم عمومی، دومین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان.

- عسگری عیسی آبادی، یونس و یوسف زاده، علی، ۱۳۹۴، رسیدگی در تعزیرات حکومتی و تفاوت آن با رسیدگی در محاکم دادگستری، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق.
- مامی، کوثر، ۱۳۹۹، واکاوی مبانی فقهی مجازات سنگین حبس در تعزیرات، پنجمین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان.